

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۱

۲۶ دسمبر ۲۰۱۱

## نگاهی به مفاهیم مداخله و تجاوز

با آغاز لشکرکشی امریکا و همپیمانانش بر افغانستان، کاربرد کلمات مداخله و تجاوز در بین طیف های وسیعی از افغانها نظر به مواضع سیاسی شان از هر زمانی بیشتر دیده می شود. بعضی ها این لشکرکشی را مداخله و برخی ها آن را تجاوز می دانند، اما عده دیگر با هزار نیرنگ و حیل تلاش دارند که این لشکرکشی را «نقطه عطف» در تاریخ کشور ما ثابت ساخته و آن را «چانس طلایی» برای مردم ما به اثبات برسانند. این که چه تفاوت های بین مداخله و تجاوز وجود دارد و آیا حضور نظامی امریکا و متحدانش زیر نام «مبارزه علیه تروریسم» در کشور ما مداخله است یا تجاوز، لازم است تا تفاوت ها و تمایزات این دو مفهوم به بررسی گرفته شود تا بهتر بتوانیم اوضاع سیاسی افغانستان خود را به بررسی بگیریم.

مداخله به حالت سیاسی گفته می شود که کشور مداخله گر با استفاده از نفوذ و قدرت سیاسی- اقتصادی خود، بر شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور طوری تأثیر بگذارد که فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور بر وفق مرادش به پیش برود. طور مثال کشور مداخله گر به منظور مهیا نمودن زمینه فروش محصولات اقتصادی خود در کشور دیگر، توسط جاسوسان داخلی و خارجی اش، تلاش می نماید که وضعیت اقتصادی کشور متبوع را طوری آماده نماید که کالاهای اقتصادی آن کشور به قیمت دلخواه به فروش برسد. یا کشور مداخله گر با استفاده از جواسیس خود می خواهد در سیاست خارجی کشوری که در آن مداخله نموده، به نفع خود استفاده نماید.

در شرایط مداخله از نیروی نظامی استفاده نمی شود، اما مداخله می تواند زمینه را برای تجاوز فراهم نماید. با آن که مداخله، تجاوز نیست ولی می تواند آغازی برای تجاوز باشد. کشور مداخله گر با جابه جایی جاسوسان داخلی خود در چوکی های بلند دولتی، فرستادن مشاوران، متخصصین، استادان و سایر افراد و اشخاص در بخش های مختلف جامعه نفوذ نموده و تلاش دارد که از هر طریقی زمینه مداخله را مساعد نماید. درجه مداخله فرق می کند، امکان دارد که در برخی از کشورها این مداخله بسیار حاد باشد و حتی تا جابه جایی یا تغییر وزراء نیز پیش برود. این حالت بستگی به وابستگی یک کشور به کشور مداخله گر دارد.

اما تجاوز به حالت سیاسی گفته می شود که یک کشور با استفاده از امکانات نظامی و مالی اش بر کشور دیگر آشکارا یورش برده و دولت بر سر قدرت آن را سرنگون نموده و دولت دست نشانده و دلخواه خود را بر اریکه

قدرت تکیه دهد. با آن که برخی از تیوریسن های بورژوازی به این حالت سیاسی، «مداخله بشر دوستانه» می گویند و آن را «نیاز مبرم» مردم کشوری که بر آن تجاوز نموده، می دانند، اما این اقدام، تجاوز آشکار دانسته می شود. کشور متجاوز تمامی بخش های جامعه را تحت کنترل خود گرفته و هر نوع حرکتی را که به ضد منافع خود ببیند، در نطفه خاموش نموده و حرکت های مردمی را توسط دولت دست نشانده اش با اقدام نظامی و یا غیر نظامی سرکوب می نماید. در این حالت تمامی حرکت های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری دولت دست نشانده به اجازه و مشوره دولت متجاوز صورت گرفته و کوچکترین عملکرد دولت دست نشانده نیز زیر ذره بین اشغالگران به بررسی گرفته می شود.

اشغالگران قوای مقننه، قضائیه و اجرائیه را در اختیار داشته و بر عملکرد هر سه قوه نظارت مستقیم دارند. وزراء به اشاره متجاوزان بر کنار یا جابه جا می شوند؛ اردو، پولیس، امنیت، شبکه های مخابراتی، برق، ترافیک، امنیت، معارف و سایر بخش های جامعه کاملاً در کنترل اشغالگران بوده و کوچکترین حرکت نیز زیر کنترل آنان می باشد. اشغالگران در وزارت خانه ها، ادارات دولتی و غیر دولتی به نام های مختلف مشاوران و جاسوسان خود را جابه جا می نمایند.

با تمام این ها اشغالگران تلاش دارند که با استفاده از کلمات عوام پسند دموکراسی، انتخابات، آزادی بیان، جامعه مدنی، حقوق بشر، پلورالیزم سیاسی، مطبوعات آزاد و غیره مردم را فریب داده تا به کنه اشغال و تجاوز پی نبرند. اشغالگران تلاش دارند که مردم کشور مستعمره خود را بیشتر از پیش مصروف زندگی و غم نان نمایند تا از افکار سیاسی و فعالیت های سیاسی دوری گزینند. تعدادی از اشغالگران آله های دست خود را با القابی چون کاندید اکادمیسین، آگاه امور سیاسی، کارشناس و غیره سر زبان ها نموده تا چرندیات و لاطائلات شان را از طریق رسانه های غیر مردمی به خورد توده ها داده تا بیشتر از پیش مردم را اغفال نمایند.

متجاوزان که به هدف تطبیق سیاست های استعماری و اشغالگرانه خود بر یک کشور تجاوز می کنند، هرگز به فکر رفاه، خوشبختی و سعادت مردم کشوری که بر آن تجاوز کرده نبوده، هر روز وضعیت زندگی عده معدودی از جاسوسان و سرسپردگانش بهبود یافته و به زندگی های افسانه ای می رسند، اما اکثریت توده های زحمتکش به سوی نابودی، فقر، تباهی و فلاکت کشیده می شوند. فاصله طبقاتی در هنگام اشغال بسیار وسیع شده و هر روز تفاوت های زندگی پولداران و فقراء بیشتر و بیشتر می گردد.

در زمان اشغال برخی از سرسپردگان با تبلیغات وسیع رسانه ای و غیر رسانه ای شعارهایی به نفع اشغال سر داده و مردم را "نصحیت" می کنند که از این «چانس طلایی» استفاده نمایند و برخی ها اشغالگران را همکاران بین المللی دانسته و از هم صحبت شدن با آنان لذت می برند.

اشغالگران برای مهره های کلیدی و جواسیس خود به خاطر کارهای «بشردوستانه»، «خیرخواهانه»، «دادخواهانه» و تمثیل «دموکراسی» جوایز و مدال می دهند تا از کارکردهای شان قدردانی صورت گیرد. تعدادی از کسانی که این مدال ها و جوایز استعماری را از اشغالگران دریافت می کنند، در عین حال سنگ خدمت به توده ها و مردم فقیر را بر سینه می زنند. اینان دریافت مدال ها و جوایز از سوی اشغالگران را توجیه تیوریک نموده و آن را «استفاده از تضاد میان امپریالیست ها» دانسته، با جبین گشاده اما سر خم برای دریافت آنها به سفارتخانه ها یورش می برند. اینان از دریافت جوایز و مدال های اشغالگران بیشتر از دیگران به وجد آمده و از زاویه های مختلف با رهبران متجاوزان عکس یادگاری می گیرند و دیوارهای دفاتر و پرورشگاه های شان را با آنها «مزین» می سازند.